**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری**

جلسه69 – 5/ 12/ 1396 **کلام اهل سنت /تنجیز علم اجمالی /قاعده احتیاط**

**خلاصه:** سخن در تنجیز علم اجمالی بود. در جلسه گذشته کلامی از خلاف شیخ طوسی; در این ارتباط مرور شد. در این جلسه نیز کلام ابن قدامه در المغنی مرور می­گردد که می­تواند در بحث مفید باشد.

**علم اجمالی در کلام عامه**

در جواز وضو با آب مشتبه به طاهر و نجس، بین عامه اختلاف وجود داشته و عمده اختلاف با جواز یا عدم جواز تحرّی و تحصیل ظن بازگشت دارد. بدین معنا که آیا جایز است با آب مظنون الطهاره وضو گرفت یا باید تیمم کرد؟

برای روشن شدن کلام عامه که خود می­تواند در فهم روایات سودمند باشد، کلام مغنی ابن قدامه را مرور می­کنیم.

از کلام ابن قدامه چند نکته برداشت می شود:

1. محور بحث تحرّی انائین بوده و تحرّی در ثوبین بحثی فرعی بوده و در آن بحث می­شود آیا ثوبین نیز شبیه انائین می­باشد یا نه؟

2. از کلام ابن قدامه برداشت می­شود که بحث تحرّی در تمام موارد علم اجمالی نبوده و گویا در سایر موارد احتیاط لازم است اما در انائین و ثوبین نکته خاصی وجود داشته که سبب کفایت عمل به ظن شده است. بقیه نکات در ذیل خواندن کلام ابن قدامه و پس از پایان آن بیان می­گردد.

خرقی در المختصر که متن کتاب ابن قدامه است، می­نویسد**: وإذا کان معه فی السفر إناءان واشتبها علیه أراقهما وتیمم**

ابن قدامه در شرح عبارت خرقی می­نویسد**: قال : وإذا کان معه فی السفر إناءان نجس وطاهر واشتبها علیه أرقهما وتیمم إنما خص حالة السفر بهذه المسألة لأنها الحالة التی یجوز التیمم فیها ویعدم فیها الماء وأراد إذا لم یجد ماء غیر الإناءین المشتبهین فإنه متی وجد ماء طهورا غیرهما توضأ به ولم یجز التحری ولا التیمم بغیر خلاف**[[1]](#footnote-1)

صورت مسأله در جایی است که مندوحه وجود نداشته و آب منحصر در همین دو آب است. گویا در فرض وجود مندوحه به طور مسلّم باید با آب طاهر وضو گرفت و تحرّی کفایت نمی­کند. از این کلام برداشت می­شود که باید روایات را نیز حمل بر صورت عدم مندوحه کرد و با این حمل دیگر اشکال سابقی که به استدلال به روایات بیان می­شد که این روایات در صورت شک در محصّل است، منتقی می­گردد که لا اقل صورت روشن روایات، صورت نبود مندوحه است. با این بیان روشن شد نیازی به تمسک به اطلاق روایات نیست چه آنکه صورت روشن و مسلّم این روایات، صورت نبود مندوحه است.

ایشان در ادامه می­نویسد: **ولا تخلو الآنیة المشتبهة من حالین أحدهما أن لا یزید عدد الطاهر علی النجس فلا خلاف فی المذهب أنه لا یجوز التحری فیهما والثانی أن یکثر عدد الطاهرات فذهب أبو علی النجاد من أصحابنا إلی جواز التحری فیهما وهو مذهب أبی حنیفة لأن الظاهر أصابة الطاهر ولأن جهة الإباحة قد ترجحت فیجاز التحری کما لو اشتبهت علیه أخته فی نساء مصر**

ابن قدامه در این قطعه، برخی از موضوعات مسلّم را بیان کرده و با قیاس به آنها به دنبال روشن کردن حکم مسأله مشکوک است. یکی از موضوعات این است که خواهر رضاعی شخص مردّد بین زنان یک شهر باشد، در این فرض، چون شبهه غیر محصوره است، احتیاط و حتی

تحرّی لازم نبوده و می­تواند با هر یک از زنان شهر خواست ازدواج کند. از ان قلت و قلت­های بعدی کلام ابن قدامه استفاده می­شود، برخی تحرّی و تحصیل ظن به خواهر رضاعی نبودن زنی که قصد ازدواج با او را دارد، لازم می­دانند اما ایشان بیان می­کند: تحرّی اساساً در این مثال لازم نبوده و احتیاط نیز جایگاهی ندارد. مثال بعدی که در کلام ابن قدامه وارد شده، بحث قبله است که به نحو مسلّم در آن تحرّی جایز بوده و احتیاط الزامی ندارد. در روایات ما نیز به جواز تحرّی در بحث قبله اشاره شده است.[[2]](#footnote-2) پس از کلام ابن قدامه استفاده می­شود که ازدواج با خواهر رضاعی مردّد بین زنان یک شهر و قبله از مثال­های مسلّمی است که در آنها احتیاط لازم نیست و در قبله به نحو مسلّم تحری کفایت می­کند که برخی از عامه با قیاس به قبله، در انائین نیز تحرّی را کافی می­دانند و برخی از عامه که تحرّی را در انائین جایز نمی­دانند به دنبال بیان وجه فارق بین انائین و قبله هستند. بحث علامه در منتهی نیز دقیقاً به دنبال بیان تفاوت بین قبله و انائین است.[[3]](#footnote-3)

از مجموع این کلمات استفاده می­شود که ذکر بحث انائین به عنوان خاص در کلام عامه، به معنای عدم وجوب احتیاط در سایر موارد علم اجمال نیست بلکه این مسأله ویژگی خاص داشته و در سایر موارد احتیاط لازم است. بدین صورت که در انائین نکات خاصی وجود دارد که باعث شده، احتیاط در آن لازم نباشد. در ادامه نکات مذکور در کلام ابن قدامه مرور می­گردد.

ابن قدامه در ادامه این تفصیل را نقل کرده که برخی در اناء، اگر عدد طاهر بیش از عدد نجس باشد مثلاً اناء نجس مردّد بین یکی از چهار ظرف است، تحرّی را جایز می­دانند ولی در غیر این صورت مثلاً در انائین مشتبهین که یکی پاک و دیگری نجس است، تحرّی را جایز ندانسته و حکم به لزوم احتیاط می­کنند. در نتیجه از نظر کم و زیاد بودن تعداد اناء طاهر، سه قول در عامه وجود دارد:

1.چه عدد طاهر بیشتر بوده و چه بیشتر نباشد، در هر صورت، تحرّی و عمل به ظن جایز است.

2.در هر دو صورت، تحرّی جایز نبوده و باید احتیاط کرد. **(وظاهر کلام أحمد أنه لا یجوز التحری فیها بحال وهو قول أکثر أصحابه وهو قول المزنی و أبی ثور)**

3.در صورتی که عدد طاهر بیشتر باشد، تحرّی جایز بوده و در غیر اینصورت، تحرّی جایز نخواهد بود**. (وقال الشافعی : یتحری ویتوضأ بالأغلب عنده فی الحالین [ لأنه شرط للصلاة فجاز التحری من أجله کما لو اشتبهت القبلة ولأن الطهارة تؤدی بالیقین تارة والظن أخری ] ولهذا جاز التوضؤ بالماء القلیل المتغیر الذی لا یعلم سبب تغیره)**

ابن قدامه در ادامه می­نویسد**: وقال ابن الماجشون : یتوضأ من کل واحد منهما وضوء ویصلی به وبه قال محمد ابن مسلمة إلا أنه قال یغسل ما أصابه من الأولی لأنه أمکنه أداء فرضه بیقین فلزمه [ کما لو اشتبه طاهر بطهور وکما لو نسی صلاة من یوم لا یعلم عینها أو اشتبهت علیه الثیاب ] در این دو مثال به نحو مسلّم احتیاط لازم است بدین صورت که در فرض اشتباه آب مطلق (طهور) و آب مضاف (آب طاهر غیر طهور)**، با هر دو وضو بگیرد که یقین به حصول طهارت برای او حاصل می­گردد و در فرض فراموشی یکی از نمازهای یک روز یا اشتباه لباس طاهر و نجس، احتیاط نماید.

ابن قدامه دلیل بر عدم جواز تحرّی در انائین را این گونه بیان کرده است: **ولنا : أنه اشتبه المباح بالمحظور فیما لا تبیحه الضرورة فلم یجز التحری.** کلام ایشان بدین معناست که در وضو با انائین مشتبهین ضرورت وجود نداشته و می­تواند با ریختن هر دو آب، با تیمم نماز بخواند. پس این مسأله با جایی که شخص آب نجس داشته و به علت تشنگی ضرورت به شرب آن دارد.

ادامه عبارت ابن قدامه این گونه است**: کما لو استوی العدد عند أبی حنیفة وکما لو کان أحدهما بولا عند الشافعی**. از این عبارت تفصیل دیگری استفاده می­شود که بین نجس و متنجس است بدین صورت که در متنجّس تحرّی جایز بوده اما در نجس تحرّی جایز نیست. تفاوت بین ماء و بول نیز این گونه بیان شده که در آب اصاله الطهاره جاری بوده ولی در بول اصل طهارت جریان ندارد و در این باره بحث شده است.

ابن قدامه در ادامه، استدلال مخالفین را طرح کرده و نقد می­کند**: وقولهم إذا کثر الطاهر ترجحت الإباحة یبطل بما إذا اشتبهت أخته فی مائة أو میتة بمذکیات فإنه لا یجوز التحری وإن کثر المباح** **وأما إذا اشتبهت فی نساء مصر فإنه یشق اجتنابهن جمیعا ولذلک یجوز له النکاح من غیر تحر وأما القبلة فیباح ترکها للضرورة کحالة الخوف.** در این کلام بیان شده، اگر احتیاط ممکن بوده و حرجی نباشد باید احتیاط کرد مانند خواهر رضاعی مردّد بین صد زن که می­توان با زن صد و یکم ازدواج کرده و از این محدوده همسر اختیار نکند، و تحرّی جایز نیست هر چند تعداد حلال و طاهر بسیار زیاد باشد. اما در صورتی که احتیاط حرجی باشد مانند تردد خواهر رضاعی با نساء یک شهر، احتیاط واجب نیست. قبله نیز با سایر موارد تفاوت داشته و نمی­توان از آن حکم جواز تحرّی در آن را به سایر موارد سرایت داد زیرا قبله در حال ضرورت مثال خوف ترک آن مباح می­شود. پس نمی­توان از حکم به تحرّی در قبله به سایر موارد حکم را سرایت داد.

بحث دیگری که ابن قدامه مطرح کرده این است که بنابر فرض باید تیمم کرده و نمی­تواند با این دو آب مشتبه وضو بگیرد، حال آیا باید برای تیمم این دو آب را بریزد یا بدون اینکه آب را بریزد می­تواند تیمم کند؟

**فصل : وهل یجوز له التیمم قبل إراقتهما ؟ علی روایتین إحداهما لا یجوز لان معه ماء طاهرا بیقین فلم یجز له التیمم مع وجوده فان خلطهما أو أراقهما جاز له التیمم لأنه لم یبق معه ماء طاهر والثانیة یجوز التیمم قبل ذلک اختاره أبو بکر وهو الصحیح لأنه غیر قادر علی استعمال الطاهر أشبه**[[4]](#footnote-4) کسانی که قائل به لزوم اراقه و ریختن آب برای جواز تیمم شده­اند، امر به اراقه را یا واجب نفسی می­دانند یا ارشاد به شرطیت اراقه برای جواز تیمم تصویر کرده­اند که بدون اراقه تیمم تشریعی ندارد. در مقابل کسانی که اراقه را واجب نمی­دانند، امر به اراقه را ارشادی می­دانند بدین معنا که وضو با این دو آب صحیح نیست نه آنکه ریختن این دو آب شرط جواز تیمم باشد. به عبارتی دیگر بحث در این است که آیا « فلم تجدوا ماء»[[5]](#footnote-5) در صورتی که اراقه نشود، صدق می­کند یا صدق « فلم تجدوا ماء» متوقف بر اراقه است؟ به نظر می­رسد یا در روایات صادر از پیامبر9 یا در کلام قدمای عامه، شبیه عبارت «یهریقهما و یتمم» که در روایات ما نیز وارد شده، وجود داشته و همین منشأ بحث از لزوم اراقه پیش از تیمم شده است.

دو مسأله بعدی در مغنی نیز بدین نحو است**: وإذا اشتبه ماء طهور بماء قد بلطت طهوریته توضأ من کل واحد منهما وضوءا کاملا وصلی بالوضوءین صلاة واحدة لا أعلم فیه خلافا لأنه أمکنه اداء فرضه بیقین من غیر حرج فیه فلزمه کما لو کانا طاهرین ولم یکفه أحدهما وفارق ما إذا کان نجسا لأنه ینجس أعضاءه یقینا ولا یأمن أن یکون النجس هو الثانی فیبقی نجسا ولا تصح صلاته ن فإن احتاج إلی أحد الإناءین فی الشرب تحری فتوضأ بالطهور عنده ویتیمم معه لیحصل له الیقین**[[6]](#footnote-6)

**وإن اشتبهت علیه ثیاب طاهرة بنجسه لم یجز التحری وصلی فی کل ثوب بعدد النجس وزاد صلاة وهذا قول ابن الماجشون وقال أبو ثور و المزنی لا یصلی فی شیء منها کالأوانی وقال أبو حنیفة و الشافعی یتحری فیها کقولهم فی الأوانی والقبلة ولنا : أنه أمکنه أداء فرضه بیقین من غیر حرج فلزمه لو اشتبه الطهور بالطاهر وکما نسی صلاة من یوم لا یعلم عینها والفرق بین هذا وبین الأوانی النجسة من وجهین**

**أحدهما ان استعمال النجس یتنجس به ویمنع صحة صلاته فی الحال والمآل وهذا بخلافه الثانی أن الثوب النجس تباح له الصلاة فیه إذا لم یجد غیره والماء النجس بخلافه والفرق بینه وبین القبلة من وجوه احدها أن القبلة یکثر الاشتباه فیها فیشق إعتبار الیقین فسقط دفعا للمشقة وهذا بخلافه الثانی ان الاشتباه ههنا حصل بتفریطه لأنه کان یمکنه تعلیم النجس أو غسله ولا یمکنه ذلک فی القبلة الثالث أن القبلة علیها أدلة من النجوم والشمس والقمر وغیرها فیصح الاجتهاد فی طلبها ویقوی دلیل الإصابة لها بحیث لا یبقی احتمال الخطأ إلا وهما ضعیفا بخلاف الثیاب**[[7]](#footnote-7)

بین ثوب و اناء تفاوت وجود دارد بدین نحو که امکان تحصیل علم به صلاه در لباس طاهر به راحتی وجود دارد بدین صورت که اگر علم به نجاست یک لباس در ده لباس دارد، در دو لباس نماز خوانده و اگر علم به نجاست دو لباس از ده لباس دارد، در سه لباس نماز می­خواند که یقین خواهد کرد در لباس طاهر نماز خوانده است.

از مجموع این کلمات استفاده می­شود که اصل وجوب احتیاط در اطراف علم اجمالی بین عامه مسلّم بوده و در موارد خاصی احتیاط واجب نیست مانند جایی که احتیاط حرجی باشد و لو به حرج نوعی مانند قبله که حرج نوعی در آن وجود دارد یا اشتباه خواهر رضاعی در زنان یک شهر که احتیاط حرجی است. در انائین نیز مشکل احتیاط در این است که وضو گرفتن با هر دو آب موجب تنجیس بدن و مانعیت از صحت صلاه است. زیرا وضو گرفتن با هر دو آبی که مردّد بین نجس و طاهر است، این لازمه را دارد. پس هر چند می­تواند اطمینان به تحصیل وضو ایجاد کند اما اطمینان به طاهر بودن بدن را نمی­تواند تحصیل کند.[[8]](#footnote-8) مگر آنکه قائل به جریان استصحاب طهارت در این موارد باشیم که به نظر می­رسد جریان استصحاب در این مسأله دچار مشکل باشد. خلاصه آنکه، اصل اولی بین عامه وجوب احتیاط بوده و در فرض انائین به علت عدم امکان تحصیل یقین به طهارت بدن و حصول وضو، بحث از تحرّی به میان آمده است.

در انتها دقت به دو نکته لازم است:

1. در هیچ از یک از اقوال عامه رد پایی از جواز مخالفت قطعیه و ترک امتثال به نحو کلّی، وجود ندارد که همین مؤید ارتکاز مورد ادعا در حرمت مخالفت قطعیه می­باشد. تنها بحث موجود بین عامه، لزوم موافقت قطعیه یا کفایت موافقت ظنیه می­باشد که کفایت موافقت ظنیه نیز تنها در جایی است که مشکلی در مسأله مانند عسر و حرج و تزاحم بین ملاکات وجود داشته باشد. پس در ناحیه حرمت مخالفت قطعیه، ارتکاز روشن بوده و وجوب موافقت قطعیه اگر مشکلی در مسأله وجود نداشته باشد، جزو مسلمات است که این ارتکاز و تسالم در فهم روایات بسیار اثر گذار است. در نتیجه، از این مباحث می­توان استفاده کرد که روایات حلّی که غایت را علم بعینه قرار داده اساساً شامل شبهات محصوره نبوده و مختص به شبهات غیر محصوره است. بدین صورت که صورت مسأله در این روایات در جایی است که مخالفت قطعیه و انجام تمام اطراف امکان نداشته یا در بازه زمانی طولانی امکان دارد که از نظر عرفی مخالفت قطعیه محسوب نمی­شود.

2.می­توان از روایات دالّ بر لزوم احتیاط در ظرف علم اجمالی، عدم حجیت ظن را استفاده کرد زیرا بحث تحرّی و عمل به ظن در اطراف علم اجمالی، بین عامه مطرح بوده ولی روایات به نحو مطلق احتیاط را الزام کرده است که خود این نوع بیان، نشانگر عدم حجیت ظن است. اما سؤال جدی این است که اگر روایات شامل صورت ظن نیز هستند چرا

سائل در سؤال خود ظن را درج نکرده است؟ در جلسه آینده این بحث را پی گرفته و با توجه به نکاتی که از کلام عامه استفاده شد، روایات دال بر تنجیز علم اجمالی را جمع بندی مجددی خواهیم کرد.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال های ذیل پیگیری نمایند.

(فقه) https://telegram.me/mjshobeiri

(اصول الفقه) https://telegram.me/mjshobeiri2

محقق گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به دروس روزانه، با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. المنغنی لابن قدامه؛ ج1، ص: 79 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص307، أبواب القبله، باب6، ح1، ط آل البيت. [↑](#footnote-ref-2)
3. المنتهی؛ ح 1، ص: 177 [↑](#footnote-ref-3)
4. المغنی لابن قدامه؛ ج 1، ص: 80 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره نساء، آيه 43. [↑](#footnote-ref-5)
6. المغنی لابن قدامه؛ ج 1، ص: 81 [↑](#footnote-ref-6)
7. همان؛ ص: 82 [↑](#footnote-ref-7)
8. استاد دام ظله فرمودند: امکان تحصیل اطمینان به طهارت بدن وجود دارد بدین صورت که با آب اول وضو گرفته و با آب دوم ابتدا اعضای وضوی خود را تطهیر کند و سپس با همین آب وضو بگیرد. اما این خلاف صورت مسأله است زیرا فرض آن است که آب کم است نه آنکه آب زیادی در اختیار دارد. اما به نظر می­رسد به صرف زیاد بودن آب و تطهیر بدن پیش از وضو با آب دوم، اطمینان به طهارت بدن حاصل نمی­شود زیرا احتمال دارد آب دومی که با آن وضو گرفته نجس باشد حتی اگر پس از وضو با آب دوم دوباره اعضای وضو را با آب اول تطهیر کند. بله حصول اطمینان به طهارت وضویی در این فرض – شستن اعضای وضو پیش از وضو گرفتن با آب دوم – صحیح است. (مقرّر) [↑](#footnote-ref-8)